

مقایسه و سنجش مطلوبیت دو اثر معماری عمومی تئاتر شهر و پردیس سینمایی ملت، از دیدگاه شهر و حیات جمعی شهروندان

صدف استادغفاری

تاریخ دریافت: ۱۴-۰۷-۱۴۰۱، تاریخ پذیرش: ۰۹-۱۲-۱۴۰۱

چکیده

بناهای فرهنگی از ارکان اصلی شهرهای امروز به شمار می‌آیند که با فراهم ساختن مراکز فعال تجمع و تعامل شهروندان نقش مؤثری در ارتقای هویت و حیات اجتماعی شهر ایفا می‌کنند. این بناها به فراخور ماهیت خویش، همواره سعی نموده‌اند از معماری واجد ارزش نیز بهره‌مند گردند اما آنچه در این رابطه از اهمیت بالا برخوردار است، نقش و جایگاه این بناها در ارتقای کیفیت محیط شهری پیرامون و جریان زندگی مدنی حیات شهری روزمره و رضایت عمومی شهروندان است که متأسفانه اغلب در سایه بحث‌های معمارانه مغفول مانده. پژوهش حاضر ابتدا با مطالعه اسناد مربوطه، سه مؤلفه کالبدی، عملکردی و ادراکی-اجتماعی را برای مکان مطلوب برمی‌شمرد و معیارها و شاخص‌های هر یک را معرفی می‌نماید. سپس به روش دلفی و تحلیل سلسله‌مراتبی به امتیازدهی به این معیار و شاخص‌ها و تعیین ضریب اثرگذاری و میزان اهمیت هر یک می‌پردازد. در میان معیارهای مؤلفه کالبدی نفوذپذیری کالبدی و بصری، در میان معیارهای مؤلفه عملکردی تنوع، اختلاط و سرزندگی شبانه‌روزی و در میان معیارهای مؤلفه ادراکی-اجتماعی تأمین آسایش جسم و روان بیشترین اهمیت و ضریب تأثیر را دارا هستند. در مرحله بعد نگارنده به روش مطالعه میدانی و حضور در محل به شناخت و تحلیل دو نمونه موردی پژوهش و امتیازدهی به آن‌ها بر اساس سازگاری با شاخص‌های معرفی شده می‌پردازد. در نهایت از ضرب این امتیازها در ضرایب تأثیر هر شاخص و معیار، امتیاز نهایی هر نمونه به دست می‌آید. این مقایسه نشان می‌دهد که بنای تئاتر شهر از هر سه جنبه کالبدی، عملکردی و حسی-معنایی سازگاری بیشتری با معیارهای مورد نظر دارد و می‌توان آن را به عنوان بنای عمومی مطلوب‌تر و سازگارتر با نیازهای شهر و حیات جمعی شهروندی معرفی نمود؛ اما بنای پردیس سینمایی ملت نیز از بسیاری جنبه‌ها مثل نفوذپذیری کالبدی بصری و معیارها و شاخص‌های مؤلفه ادراکی-اجتماعی موفق عمل کرده و امتیاز بالایی هم‌تراز با بنای تئاتر شهر دریافت کرده است.

کلیدواژگان: معماری عمومی، مکان شهری، معیارهای مطلوبیت، تئاتر شهر تهران، پردیس سینمایی ملت.

* کارشناس ارشد طراحی شهری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.



مقدمه

دیدگاه شهری و مناسب برای جذب حضور شهروندان و خلق مکان‌های با هویت و فعال.

۲. تحلیل و ارزیابی دو بنای عمومی معروف شهر تهران، مربوط به دو دوره تاریخی و سبک و سیاقی متفاوت بر اساس معیارهای مذکور.

روش و رویه تحقیق

ابتدا در بخش مبانی نظری پژوهش، به روش تحلیل اسنادی و کتابخانه‌ای به مطالعه، تحلیل و تفسیر دیدگاه‌ها و تعاریف صاحب‌نظران پیرامون ویژگی‌های مکان شهری مطلوب و نمونه‌هایی از بناهای عمومی موفق جهان پرداخته شد و بر اساس آن، مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌هایی برای ارزیابی بناهای فرهنگی موفق از دیدگاه شهر و زندگی شهری استخراج گردید. در مرحله بعد به روش دلفی به پرسش از نخبگان و قیاس و امتیازدهی به این معیارها و شاخص‌ها از دید نخبگان و متخصصین پرداخته شد. نتایج حاصل از این پرسش‌نامه‌ها به روش تحلیل سلسله‌مراتبی جمع‌بندی شد و برای هر یک از معیارها و شاخص‌های به‌دست‌آمده در مراحل پیشین، ضرایبی بر اساس میزان اهمیت هر یک از دیدگاه نخبگان به دست آمد. سپس در بخش بعدی، پژوهشگر به عنوان یک فرد متخصص به مطالعه میدانی، حضور در محل و گفتگو با کاربران به شناخت و تحلیل دو بنای تئاتر شهر تهران و پردیس سینمایی پارک ملت، به عنوان نمونه‌های موردی، پرداخت و بر اساس نتایج حاصل از این شناخت، در مرحله بعد بر اساس میزان سازگاری هر بنا با معیارها و شاخص‌های مربوطه به امتیازدهی به آن‌ها پرداخت. در نهایت، با ضرب این امتیازها که بر اساس شناخت جامع و عمیق پژوهشگر از وضع موجود دو بنا به دست آمده، در ضرایب به دست آمده در مرحله قبل که حاصل نظرسنجی از نخبگان بوده، امتیاز نهایی هر یک از دو بنا به دست آمد. بر اساس دستاوردهای حاصل، شناخت جامع و آموزنده‌ای از نقاط قوت و ضعف دو بنا در رابطه با نقش و جایگاه آن‌ها در زندگی مدنی شهروندان به دست آمده و ارزیابی مفیدی از دیدگاه مطلوبیت برای شهر و زندگی شهری صورت گرفته است. به‌علاوه، گوشه‌ای نیز از سیر تحول جریان ساخت بناهای عمومی فرهنگی و رویکرد آن به مکان‌سازی شهری قابل دستیابی است.

بناهای عمومی با کاربری فرهنگی - هنری، از اصلی‌ترین عملکردهای شهری امروز محسوب می‌شوند که با فراهم ساختن قطب‌های فرهنگی - اجتماعی فعال و جاذب، نقش مؤثری در افزایش حضور اختیاری و تعاملات اجتماعی شهروندان، خلق مکان‌های شهری با هویت و سرزنده، بهبود ادراک، تجربه و رضایت همگانی شهروندان و در نتیجه، ارتقای کیفیت زندگی جمعی جامعه ایفا می‌کنند. ساخت چنین بناهایی در کشور ما نیز به دنبال موج جهان‌شمول معماری مدرن در دوره قاجار آغاز شد، در دوره پهلوی به اوج خود رسید و تا به امروز نیز کماکان ادامه یافته است. طی این سال‌ها همواره نقدهایی از جنبه‌های سبک‌شناسی، زیبایی‌شناسی، سازه‌ای و... بر معماری این بناها صورت گرفته، اما کمتر به جنبه‌های انسانی و اجتماعی آن‌ها پرداخته شده است. درحالی‌که در جوامع شهری امروز آنچه از اهمیت ویژه برخوردار است، خلق مکان‌های شهری سرزنده و قابل زندگی توسط این بناها برای گستره وسیعی از شهروندان است. بر این اساس، پژوهش حاضر قصد دارد برخلاف نقدهای موجود، به تحلیل و ارزیابی نقش بناهای عمومی کشورمان در خلق مکان‌های شهری فعال و زنده بپردازد. برای این منظور، ضمن شناسایی معیارهای بنای عمومی مطلوب از دیدگاه شهری، دو نمونه از آثار معماری عمومی ارزشمند و مشهور شهر تهران را بر اساس معیارهای مذکور با یکدیگر قیاس می‌کند. این دو بنا عبارت‌اند از تئاتر شهر تهران و پردیس سینمایی پارک ملت که هر دو از آثار معماری مدرن ایرانی به شمار می‌روند که به کاربری فرهنگی - هنری تعلق دارند، اما در دو دوره زمانی مختلف و با سبک و سیاقی متمایز ساخته شده‌اند.

سؤال اصلی پژوهش

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که چه ویژگی‌هایی سبب می‌شوند که یک بنای عمومی فرهنگی به ایجاد مکان شهری با هویت و سرزنده در پیرامون خود دست یافته، به معنای واقعی به بهبود ادراک، تجربه و کیفیت حیات جمعی و گذران اوقات فراغت شهروندان نائل گردد؟

اهداف پژوهش

۱. معرفی معیارهایی برای ارزیابی بنای عمومی مطلوب، نه از دیدگاه معماری، سازه‌ای، زیبایی‌شناسانه و...، بلکه از

است (تیبالدز، ۱۳۸۵: ۶۳؛ بیکن، ۱۳۸۶: ۶۴؛ الکساندر^۱، ۱۳۷۳: ۶۰؛ کرمونا^۱ و تیزدل^۱، ۱۳۹۰: ۳۲۳؛ Llewellyn_ Davies, 2007: 12)

پاکزاد، فرم و نمای یک بنای عمومی مطلوب را واجد ویژگی‌هایی می‌داند؛ از جمله ۱. منعکس نمودن سازه، محتوا و کارکرد؛ ۲. سازگاری با شرایط جانی؛ و ۳. وحدت در عین کثرت، به معنای برخورداری از خلاقیت، بداعت و منحصر به فردی، در عین هماهنگی با زمینه (پاکزاد، ۱۳۸۲: ۵۵-۶۰). به عبارتی، وی ضمن تأکید بر ویژگی‌های کالبدی و انطباق با زمینه، گام را فراتر نهاده و بر محتوا و پیام نهفته در کالبد نیز اشاره می‌کند. در همین رابطه لنگ نیز از مفهوم بیکربندی بنا و فضا نام می‌برد، که به معنای فرم، تناسبات، شیوه‌ها و الگوهای ساخت، مصالح ساختمانی و رنگ است، که هر یک حامل مفهوم و پیام ویژه‌ای هستند (لنگ، ۱۳۸۶: ۲۳۳-۲۳۴).

مفاهیم دیگری از جمله نقش‌انگیزی، به معنای به‌یادماندنی بودن (لینچ^۱، ۱۳۷۴: ۱۹؛ لینچ، ۱۳۸۱: ۱۶۷؛ پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۲۲-۱۲۳) و برخورداری از تناسب، زیبایی، غنای بصری و منحصر به فرد بودن (بنتلی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۳۴-۲۳۱؛ تیبالدز، ۱۳۸۵: ۶۳؛ 221-231؛ Korpela & Hartig, 1996)، بحث نفوذپذیری بصری به معنای افزایش رؤیت‌پذیری به کمک قرارگیری در کانون‌های دید اصلی و بهره‌مندی از نورپردازی مناسب و شفافیت بصری به‌جای کاربرد مصالح سخت (لنگ، ۱۳۸۶: ۲۳۵؛ تیبالدز، ۱۳۸۵: ۶۳؛ بنتلی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۶؛ لینچ، ۱۳۸۱: ۱۷۷؛ Appleyard, 1976: 73) و نفوذپذیری کالبدی به معنای پیوند و اتصال مطلوب با پیرامون، تأمین دسترسی مناسب و به‌خوبی ادغام شدن در کلیت فرادست (تیبالدز، ۱۳۸۵: ۶۳؛ بنتلی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۶؛ Nasar & Sancar, 2006: 12؛ Llewellyn_ Davies, 2007: 12) نیز مطرح شده‌اند.

ب. مکان مطلوب با تأکید بر جنبه‌های محتوایی: بسیاری از اندیشمندان عملکردها و فعالیت‌های شهری، اعم از کاربری‌های جاذب، مراسم آیینی، رویدادهای جمعی ویژه و سایر فعالیت‌های رسمی و غیررسمی را شرط اصلی حضورپذیری، سرزندگی و مطلوبیت مکان‌های شهری دانسته و بر سازگاری هرچه بیشتر محیط کالبدی با نیازهای فعالیتی توجه دارند (حبیب و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۷-۱۲۵؛ دانشپور و دیگران،

مبانی نظری پژوهش، تعریف مکان شهری مطلوب

در این بخش به بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان و تعاریف مربوطه، پیرامون بحث بناهای عمومی^۱ و مکان‌های شهری^۲ مطلوب و انسان‌محور جهت شناسایی معیارهای بناهای عمومی مطلوب که به طور مؤثر قادر خواهند بود فضای بیکران و تعریف نشدهٔ پیرامون خود را به مکان شهری، سرزنده، فعال و واجد هویت و معنا تبدیل کنند، معرفی می‌گردند. تعاریف و دیدگاه‌های مذکور را می‌توان در دو بخش طبقه‌بندی نمود که در ادامه به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف. مکان مطلوب با تأکید بر جنبه‌های فضایی-کالبدی: بیکن^۳ از یک ویژگی مهم تحت عنوان «درآمیزی^۴ با محیط» یاد می‌کند که به معنای فراهم ساختن تجربهٔ انسانی عمیق، دلنشین و فراگیر از محیط است و شماری عوامل و ویژگی‌ها را برای آن برمی‌شمرد که بیشتر بر جنبه‌های فضایی-کالبدی محیط تأکید دارند: ۱. دیدار با آسمان که به خط آسمان بنا به عنوان عنصری تعیین‌کننده در تجربهٔ فضا اشاره دارد؛ ۲. دیدار با زمین که به نحوهٔ اتصال و ارتباط بنا با زمین اشاره دارد؛ ۳. نقطه‌ها در فضا، به معنای وجود نقاط شاخص و کشش و پویایی بصری میان آن‌ها؛ ۴. رابطه با انسان که به مقیاس انسانی عناصر موجود در محیط تأکید دارد (بیکن، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۷). در رابطه با این مورد آخر، در سایر متون و منابع نیز بارها به صور مختلف بحث شده است که به رعایت تناسبات انسانی و مقیاس پیاده در دانه‌بندی، فرم، جهت‌گیری، فاصله، ارتفاع و جزئیات طراحی اشاره دارد (تیبالدز^۵، ۱۳۸۵: ۶۱-۶۲؛ لنگ^۶، ۱۳۸۶: ۱۴۱-۱۴۳؛ توسلی، ۱۳۸۸: ۶۲؛ 15؛ INFRA, 2011)

کمیسون معماری و محیط ساخته شده^۷ نیز اصولی را تحت عنوان «ساختن در زمینه^۸» مطرح می‌کند که عبارت‌اند از: ۱- سازگاری با ویژگی‌های جغرافیایی، طبیعی و تاریخی بافت. ۲- ادغام شدن درون مسیرهای توسعهٔ موجود و آینده. ۳- ارزش نهادن به مقیاس بناهای اطراف. ۴- کاربرد مصالح و روش‌های ساختی که به اندازهٔ بناهای قدیم و موجود ارزشمند باشند (CABE, 2001: 1-2)؛ بنابراین بیش از هر چیز بر سازگاری کالبدی-بصری با زمینهٔ موجود تأکید می‌نماید. مشابه همین بحث در نظرات بسیاری از اندیشمندان، تحت عنوان سازگاری با توپوگرافی، شکل زمین و منظر طبیعی پیرامون، عناصر و ساختارهای ارزشمند موجود، مورد توجه قرار گرفته



اشارات تاریخی و زنده نگاه داشتن گذشته در کنار حال و آینده، برای تقویت هویت ویژه برای آن (Kelly & Kelly, 2003: 26-27)، تأکید بر آسایش و راحتی شهروندان که از یک سو شامل نیازهای جسمی و فیزیولوژیک شهروندان است، مثل محیط پاکیزه و به دور از آلودگی (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۳۴-۳۵)، سرپناه مناسب برای در امان ماندن از نامالیقات جوی و دستیابی به تأمین تابش، حرارت و رطوبت مطلوب (توسلی، ۱۳۵۴: ۱۰۷-۱۰۸؛ لنگ، ۱۳۸۶: ۱۴۵-۱۴۶؛ کرمونا و تیزدل، ۱۳۹۰: ۳۷۴-۳۷۸؛ INFRA, 2011: 10)، سازگاری با نیازهای جسمی و حرکتی اقشار مختلف کاربران از جمله کودکان، سالمندان و به ویژه معلولین (لنگ، ۱۳۸۶: ۱۴۷-۱۴۸؛ INFRA, 2011: 10) و ایمنی حضور و فعالیت پیاده شهروندان به دور از خطر و مزاحمت سواره (تیبالدز، ۱۳۸۵: ۶۲؛ INFRA, 2011: 15) و از سوی دیگر نیازهای روحی آنان مانند تأمین آرامش ذهنی به کمک راهکارهایی همچون پیوند با طبیعت، تفاوت با اسلوب زندگی روزمره و دور بودن از فشارها و تنش های آن، و امکان ادراک ساختار ذهنی منسجم، نظام مند و آشنا از محیط، جهت بهبود بخشیدن به تجربه و ادراک فضا (کرمونا و تیزدل، ۱۳۹۰: ۳۷۴-۳۷۸؛ صدوقی و معاریان، ۱۳۸۹: ۱۲۶-۱۲۹؛ Kor-pela & Hartig, 1996: 221-231)، جذاب، گیرا و مطلوب بودن، به معنای بهره‌مندی از زیبایی کالبدی، منحصربه‌فردی و سازگاری با نیازهای عملکردی و حسی - معنایی کاربران (نایرامعه و قیودص؛ Korpela & Hartig, 1996: 221-231) و برخورداری از امنیت اجتماعی برای حضور در فضا در ساعات مختلف شبانه‌روز (تیبالدز، ۱۳۸۵: ۶۲-۶۳؛ INFRA, 2011: 10).

پ. بررسی نمونه‌های موفق جهانی: در این مرحله به بررسی دو نمونه موفق بناهای عمومی با معماری مدرن و کاربری فرهنگی - هنری در جهان می‌پردازیم که هر دو علاوه بر اینکه جوایز متعدد معماری دریافت کرده‌اند، در کسب جایگاه ویژه و ارزشمند در ساختار ذهنی شهروندان و عرصه عمومی شهر و درآمیزی با حیات مدنی و هویت جمعی شهر خود موفق بوده‌اند. یکی از این بناها خانه اوپرای شهر اوسلو پایتخت کشور نروژ و دیگری مرکز فرهنگی حیدر علیف در شهر باکو پایتخت کشور همسایه، جمهوری آذربایجان است:

- **خانه اوپرای اوسلو:** بازگشایی خانه اوپرای اوسلو در سال ۲۰۰۸

۱۳۸۸: ۴۴؛ اهری، ۱۳۹۰: ۵-۱۴). جیکوبز^{۱۳} تعاملات و مناسبات میان انسان‌ها را شرط اصلی حیات و سرزندگی محیط‌های شهری دانسته و تنوع و پیچیدگی فعالیت‌ها را مؤثرترین عامل افزایش آن قلمداد می‌کند (جیکوبز، ۱۳۸۶: ۴۱۲). لنگ همچنین یک مکان شهری را به عنوان یک قرارگاه رفتاری تعریف نموده و برخی ویژگی‌ها را برای مطلوبیت محیط کالبدی مطلوب برمی‌شمرد که بر سازگاری و هم‌سویی با فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی دلالت دارند: ۱. دعوت‌کنندگی و تقاضاکنندگی رفتارهای انسانی؛ ۲. قابلیت پذیرش و تأمین برخی الگوهای رفتاری؛ ۳. انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری برای پاسخ به نیازهای گوناگون و پذیرش فعالیت‌های متنوع (لنگ، ۱۳۸۶: ۱۳۱-۱۳۴).

تیبالدز ضمن تأکید بر لزوم انسان‌محور بودن محیط‌های شهری به معنای جذاب و مطلوب بودن آن‌ها برای مردم، برخی عوامل عملکردی؛ از جمله ۱. تأکید بر کاربری‌های روزانه فعال به‌ویژه در لبه فضا؛ ۲. انعطاف‌پذیری و قابلیت سازگاری با نیازهای آینده؛ ۳. حمایت از فعالیت‌های رسمی و غیررسمی جذاب؛ ۴. کاربری‌های فعال در شب. و شماری عوامل اجتماعی - ادراکی از جمله ۱. دسترسی آزادانه برای همه مردم؛ ۲. فراهم ساختن فرصت تعامل و ملاقات با دیگران؛ ۳. خوانایی؛ ۴. هویت منحصربه‌فرد؛ و ۵. حفظ و تداعی ارزش‌های گذشته را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد (تیبالدز، ۱۳۸۵: ۶۲-۶۳). بنتلی^{۱۴} و دیگران همچنین عوامل محتوایی مشابهی، همچون ۱. تنوع و گوناگونی عملکردی؛ ۲. خوانایی؛ ۳. غنای حسی؛ ۴. احساس تعلق و دلبستگی به مکان را در رابطه با مکان‌های مطلوب برمی‌شمرند (بنتلی و دیگران، ۱۳۸۶: ۶-۹).

موارد مفید دیگری نیز مطرح شده‌اند همچون: تأکید بر بنا و فضای عمومی به عنوان یک مکان شهری و عرصه‌ای برای زندگی شهری و حیات جمعی شهروندان. به‌گونه‌ای که به عنوان یک کانون اجتماعی دعوت‌کننده، برای ملاقات با دوستان و حضور در کنار دیگر اقشار جامعه (تیبالدز، ۱۳۸۵: ۶۲-۶۳؛ Na-sar & Sancar, 2006: 60-61)، لذت بردن از مصاحبت و تعامل با دیگران، پرداختن به فعالیت‌های تفریحی اختیاری، اکتشاف و تجربه فضا عمل نماید (INFRA, 2011: 9). برای این منظور، لزوم دسترسی آزادانه برای تمامی شهروندان، یک شرط اساسی است (تیبالدز، ۱۳۸۵: ۶۲-۶۳؛ INFRA, 2011: 10؛ Apple-yard & Jacobs به نقل از پاکزاد، ۱۳۹۰: ۱۵۷)، لزوم دارا بودن

منحنی با سایر طبقات در فضای داخلی و با محوطه و فضای خارجی بنا برقرار شده است. ورودی‌های متعدد و وسیع به همراه جداره شیشه‌ای و کاربری‌های خدماتی جاذب مثل فروشگاه‌ها و کافه‌ها در سطح همکف پیوند درون و بیرون را تقویت می‌کند. لازم به ذکر است که ورود رایگان به داخل این بنا برای عموم مردم آزاد نیست و با تهیه بلیط و پرداخت هزینه‌های مختلف بر اساس مکان مراجعه امکان‌پذیر است که از نقاط ضعف این بنا در ارتباط با زندگی و استفاده عمومی شهروندان است؛ اما رفت‌وآمد به محوطه پیرامونی آزاد و رایگان است و در بسیاری موارد مراجعین بدون ورود به داخل بنا و تنها برای استفاده از فضاها و خدمات محوطه بیرونی به مکان مراجعه می‌کنند.

ت. جمع‌بندی و معرفی معیارهای مکان مطلوب: از بررسی نمونه‌های جهانی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران در مورد مکان شهری مطلوب می‌توان چنین نتیجه گرفت که سطح عمیق و متعالی رابطه فرد با محیط شهری تنها از طریق توجه به هر سه مؤلفه کالبدی، عملکردی و ادراکی - اجتماعی مکان و هم‌سویی و هماهنگی آن‌ها در جهت ارتقای کیفیت محیط، به عنوان عرصه زندگی جمعی شهروندان امکان‌پذیر است. بر اساس مطالعات صورت گرفته، معیارهای مربوط به هر مؤلفه و شاخص‌های مربوط به هر معیار را می‌توان به شرح «جدول ۱» برشمرد.

پرسش از نخبگان

در مرحله پیش دریافتیم که برای خلق معماری عمومی و مکان شهری مطلوب توجه به هر سه مؤلفه کالبدی، عملکردی و ادراکی - اجتماعی لازم است.



تصویر ۲. مرکز فرهنگی حیدر علیف (مأخذ: www.archdaily.com)

به عنوان بخشی از یک طرح شهری فرادست و بزرگ‌مقیاس با ایده تأمین دسترسی عمومی آزاد در تمام مسیرهای کنار آب و سواحل رودخانه صورت گرفت. این بنا با مصالح شیشه‌ای و سنگ‌های گرانبست سفید و زیبا طوری در کنار آب واقع شده که گویی از میانه آن سر بر آورده. امتداد رمپ‌ها و مسیرهای شیب‌دار با مصالح و زاویه مناسب بر جداره این بنا امکان حرکت آزادانه پیاده و حتی دوچرخه و اسکیت را بر روی جداره‌ها و بام فراهم می‌کند. عمده مصالح بنا از شیشه است و پنجره‌های وسیع با کمترین قاب‌سازی بیشترین ارتباط بصری با فضای بیرون را میسر می‌سازد. فضای روی بام نیز با ستون‌های کوتاه و ایمن، فضایی جذاب برای مکث و تماشا ایجاد کرده است.

مرکز فرهنگی حیدر علیف: مرکز فرهنگی حیدر علیف با ۵۷۵۰۰ مترمربع زیربنا در ۸ طبقه و ۱۳۶۰۰۰ مترمربع منظرسازی و محوطه بیرونی، اثر معمار مشهور زها حدید است که در سال ۲۰۱۲ افتتاح شد. این بنا با در بر گرفتن کاربری‌های فرهنگی و خدماتی متنوع و جذاب مثل نمایشگاه، موزه، سالن‌های چندمنظوره کنفرانس و مراسم و رویدادهای موقت، کافه و رستوران و فروشگاه، همچنین با منظرسازی و محوطه‌سازی وسیع و جذاب با تأمین مبلمان و تجهیزات مناسب و عناصر ویژه‌ای مثل دریاچه مصنوعی و المان‌های هنری فضای جذابی برای حضور و استفاده اقشار و گروه‌های مختلف سنی، جنسی و فرهنگی کاربران تأمین کرده است. به‌علاوه این فضا از جهات مختلف از بافت پیرامون شهر باکو قابل دسترس است. این بنا همچنین با فرم منحنی و سیال و روان خود به‌خوبی با پیرامون ادغام شده است. فضای داخلی در سطح همکف امتداد طبیعی فرم توپوگرافی زمین است و این ارتباط سیال و روان با کمک رمپ‌ها و پله‌ها با فرم نرم و



تصویر ۱. خانه اپرای اوسلو (مأخذ: www.architectual.com)



جدول ۱. دستاورد مبانی نظری: معرفی مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های معماری عمومی و مکان شهری مطلوب.

مکان شهری مطلوب					
مؤلفه ادراکی - اجتماعی		مؤلفه عملکردی		مؤلفه کالبدی	
شاخص‌ها	معیارها	شاخص‌ها	معیارها	شاخص‌ها	معیارها
باز بودن به روی همه و تأمین دسترسی آزادانه و رایگان برای تمامی شهروندان.	عرصه‌ی زندگی جمعی و حیات مدنی شهروندان	وجود مبلمان و تجهیزات مناسب برای حضور، مکث و تعاملات اجتماعی شهروندان.	عرصه‌ی حضور و فعالیت جمعی و فردی دلخواه برای شهروندان	موقعیت قرارگیری بنا در ارتباط با شهر، محله و شریان‌های اصلی.	پیوند با زمین
کانون حضور، تجمع، قرار ملاقات و تعاملات شهروندان.		حمایت از تجمع و حضور، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی خودجوش و رویدادهای ویژه جمعی رسمی و غیررسمی جذاب.		نحوه‌ی پیوند بنا با پیرامون، اتصال به زمین، موقعیت ورودی‌ها و وحدت با زمینه.	
تعامل با مکان، لذت بردن از حضور، تجربه و اکتشاف فضا.					
برخورداری از تداوم زمانی، به معنای دارا بودن اشارات تاریخی و پیوند با گذشته.	برخورداری از اصالت و معنا	تأمین خدمات و تجهیزات لازم برای رفع نیازهای ضروری کاربران در مکان.	خودکفایی	غنا‌ی بصری و زیبایی فرم.	مطلوبیت فرم
در بر گرفتن معانی و مفاهیم گویا، قابل درک و آشنا برای عموم مردم.		ایجاد گستره‌های متنوع از کاربری‌ها و فعالیت‌های خدماتی جذاب، و فراهم ساختن امکان بهره‌مندی از فرصت‌های بیشتر برای شهروندان.		بداعت و منحصربه‌فرد بودن فرم، سازه، مصالح و ... برخورداری از مقیاس انسانی.	
دوری از انواع آلودگی‌ها، اعم از آلودگی‌های صوتی، بصری، هوا، بهداشتی و ...	تأمین آسایش جسم و روان شهروندان	امکان استفاده از فضا برای برپایی مراسم ویژه، رویدادهای فرهنگی و فعالیت‌های موقت و فصلی در مناسبت‌های خاص.	انعطاف‌پذیری	رویت‌پذیری و قرارگیری در دید مطلوب از نواحی پیرامون (عملکرد نشانه‌ای).	
حفظ اولویت تردد پیاده و در امان بودن از مزاحمت‌ها و خطرات تردد سواره.		امکان تغییرپذیری برای سازگاری با نیازهای آینده.		شفافیت بصری و ارتباط درون و بیرون.	
		ایجاد کاربری‌های خدماتی متنوع و جذاب، برای حمایت از حضور و فعالیت اقشار، گروه‌ها، جنسیت‌ها و سنین متفاوت در مکان.	بهره‌گیری از عناصر طبیعی برای ایجاد منظر دلنشین و جذاب.		
تأمین امنیت اجتماعی از طریق حمایت از حضور و نظارت اجتماعی گروه‌های مختلف شهروندان در ساعات مختلف شبانه‌روز.		امکان برگزاری مراسم آیینی، مذهبی و سنتی ویژه، رویدادهای فرهنگی خاص و تعاملات اجتماعی رسمی و غیررسمی.	تنوع، اختلاط و سرزندگی شبانه‌روزی	بهره‌گیری از عناصر مصنوع، مبلمان و تزئینات مناسب، با طرح و مصالح سازگار با حال و هوای بنای اصلی جهت ایجاد محیط و منظر جذاب و دلنشین.	
	ایجاد کاربری‌های فرهنگی - تفریحی فعال در شب، برای حفظ سرزندگی و حیات شبانه‌ی مکان.				

جدول ۲. ضرایب به دست آمده از مرحله پرسش از نخبگان برای هر معیار و شاخص.

مکان شهری مطلوب					
مؤلفه کالبدی		مؤلفه عملکردی		مؤلفه ادراکی - اجتماعی	
معیارها	شاخص‌ها	معیارها	شاخص‌ها	معیارها	شاخص‌ها
پیوند با زمین ۰,۱۹	موقعیت قرارگیری بنا در ارتباط با شهر، محله و شریان‌های اصلی. ۰,۵۴	عرصه‌ی حضور و فعالیت جمعی و فردی دلخواه ۰,۳۰	وجود مبلمان و تجهیزات مناسب برای حضور، مکث و تعاملات اجتماعی شهروندان. ۰,۴۶	عرصه‌ی زندگی جمعی و حیات مدنی شهروندان ۰,۳۶	باز بودن به روی همه و تأمین دسترسی آزادانه و رایگان برای تمامی شهروندان. ۰,۳۵
	نحوه‌ی پیوند بنا با پیرامون، اتصال به زمین، موقعیت ورودی‌ها و وحدت با زمینه. ۰,۴۶		حمایت از تجمع و حضور، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی خودجوش و رویدادهای ویژه جمعی رسمی و غیررسمی جذاب. ۰,۵۴		کانون حضور، تجمع، قرار ملاقات و تعاملات شهروندان. ۰,۳۵
			تعامل با مکان، لذت بردن از حضور، تجربه و اکتشاف فضا. ۰,۳۰		
مطلوبیت فرم ۰,۲۰	غنا‌ی بصری و زیبایی فرم. ۰,۴۳	خودکفایی ۰,۱۰	تأمین خدمات و تجهیزات لازم برای رفع نیازهای ضروری کاربران در مکان. ۰,۵۳	برخوررداری از اصالت و معنا ۰,۲۲	برخوررداری از تداوم زمانی، به معنای دارا بودن اشارات تاریخی و پیوند با گذشته. ۰,۵۱
	بداعت و منحصر به فرد بودن فرم، سازه، مصالح و ... ۰,۱۶		ایجاد گستره‌ای متنوع از کاربری‌ها و فعالیت‌های خدماتی جذاب، و فراهم ساختن امکان بهره‌مندی از فرصت‌های بیشتر برای شهروندان. ۰,۴۷		در بر گرفتن معانی و مفاهیم گویا، قابل درک و آشنا برای عموم مردم. ۰,۴۹
نفوذپذیری کالبدی و بصری ۰,۳۳	رویت‌پذیری و قرارگیری در دید مطلوب از نواحی پیرامون (عملکرد نشانه‌ای). ۰,۴۱	انعطاف‌پذیری ۰,۱۶	امکان استفاده از فضا برای برپایی مراسم ویژه، رویدادهای فرهنگی و فعالیت‌های موقت و فصلی در مناسبت‌های خاص. ۰,۶۰	تأمین آسایش جسم و روان شهروندان ۰,۴۲	دوری از انواع آلودگی‌ها، اعم از آلودگی‌های صوتی، بصری، هوا، بهداشتی و ... ۰,۲۳
	شفافیت بصری و ارتباط مطلوب (بصری و حرکتی) درون و بیرون. ۰,۵۹		امکان تغییرپذیری برای سازگاری با نیازهای آینده. ۰,۴۰		حفظ اولویت تردد پیاده و در امان بودن از مزاحمت‌ها و خطرات تردد سواره. ۰,۱۴
منظر طبیعی و مصنوع ۰,۲۸	جذاب. ۰,۶۷	تنوع و اختلاط و سرزندگی شبانه‌روزی ۰,۴۴	ایجاد کاربری‌های خدماتی متنوع و جذاب، برای حمایت از حضور و فعالیت اقشار، گروه‌ها، جنسیت‌ها و سنین متفاوت در مکان. ۰,۴۵	معلولین و ... ۰,۲۵	سازگاری با نیازهای جسمی و حرکتی اقشار مختلف جامعه از جمله کودکان، سالمندان، زنانف معلولین و ... ۰,۲۵
	بهره‌گیری از عناصر طبیعی برای ایجاد منظر دلنشین و محیط و منظری جذاب و دلنشین. ۰,۳۳		امکان برگزاری مراسم ویژه، رویدادهای فرهنگی خاص و تعاملات اجتماعی رسمی و غیررسمی. ۰,۲۱		تأمین امنیت اجتماعی از طریق حمایت از حضور و نظارت اجتماعی گروه‌های مختلف شهروندان در ساعات مختلف شبانه‌روز. ۰,۳۸



مطالعهٔ اسناد، نقدها و متون مرتبط موجود و مصاحبه و گفتگو با کاربران حاضر در مکان بهره می‌گیرد.

ابتدا به معرفی اجمالی دو نمونه می‌پردازیم: اولی بنای تئاتر شهر تهران است که در فاصلهٔ سال‌های ۴۶ تا ۵۱ توسط شرکت مهندسان مشاور سردار افخمی، در ضلع غربی پارک دانشجو واقع در چهارراه ولی عصر طراحی و اجرا گردید و دیگری بنای پردیس سینمایی ملت است که در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷ توسط رضا دانشمیر و مهندسین مشاور حرکت سیال، به شکل یک مکعب مستطیل که در میانه از دو سو فشرده شده در زمینی با فرم کشیده و نامعین در جنوب غربی پارک ملت و در کنار بزرگراه نیایش احداث شد. این دو بنا واجد عملکرد و موقعیت مکانی نسبتاً مشابه بوده و به دو دورهٔ زمانی مختلف مربوط می‌باشند. هر دو از نمونه‌های ارزشمند معماری مدرن کشورمان محسوب می‌شوند که به پیشنهاد مراجع مسئول وقت، به عنوان مراکز فرهنگی - هنری اصلی شهر تهران، در یکی از پارک‌های عمومی و در ارتباط مستقیم با عرصهٔ همگانی شهر مکان‌یابی و احداث شده‌اند. در ادامه، به ارزیابی و مقایسهٔ دو بنا بر مبنای شاخص‌های شناسایی شدهٔ مکان مطلوب می‌پردازیم:

موقعیت قرارگیری بنا در ارتباط با شهر، محله و شریان‌های اصلی

بنای تئاتر شهر ضمن ادغام شدن مطلوب با فضای سبز و دنج پارک دانشجو، با قرارگیری روی سکویی در انتهای غربی پارک و در مجاورت تقاطع دو خیابان اصلی شهر، یعنی انقلاب و ولی عصر، به‌خوبی با فضای پیاده‌آنها نیز ترکیب شده است. در

علاوه بر آن معیارهای هر یک از این سه مؤلفه و شاخص‌های هر یک از معیارها نیز معرفی شدند. در این مرحله برای تعیین میزان اهمیت هر یک از این معیارها و شاخص‌ها به پرسش از نخبگان پرداخته شد. برای این منظور پرسش‌نامه‌های مفصلی تنظیم گردید که ضمن توصیف اجمالی هر معیار و شاخص، به مقایسهٔ دو به دوی معیارهای هر مؤلفه و شاخص‌های هر معیار با رویکرد خلق مکان شهری جذاب و سرزنده می‌پرداخت. این پرسش‌نامه‌ها در اختیار ۱۵ نفر از نخبگان رشتهٔ شهرسازی قرار گرفت و از آنها خواسته شد در این قیاس به هر یک از معیارها و شاخص‌های یادشده بر اساس رویکرد پژوهش (خلق مکان شهری مطلوب) امتیاز دهند. این افراد همگی بین ۳۰ تا ۴۰ سال سن داشته و شاغل در زمینهٔ مرتبط با رشتهٔ شهرسازی بودند. ۶ نفر از آنها مرد و ۹ نفر دیگر زن، ۱۲ نفر فارغ‌التحصیل یکی از رشته‌های برنامه‌ریزی یا طراحی شهری در مقطع کارشناس ارشد و ۳ نفر دیگر فارغ‌التحصیل رشتهٔ شهرسازی در مقطع دکترا بوده‌اند. نتایج حاصل از این نظرسنجی به کمک روش تحلیل سلسله‌مراتبی به ضرابی تبدیل شد که در جدول زیر آمده و میزان اهمیت و تأثیرگذاری هر یک از این معیارها و شاخص‌ها را نسبت به یکدیگر نشان می‌دهند. این ضرایب در جدول شماره ۲ آمده‌اند.

مطالعهٔ موردی

در این بخش نگارنده به عنوان فرد متخصص به شناخت و تحلیل دو نمونهٔ موردی پژوهش بر مبنای شاخص‌های به‌دست‌آمده از مرحلهٔ مبانی نظری می‌پردازد و برای انجام این شناخت از مطالعهٔ میدانی جامع و عمیق، حضور در مکان،



تصویر ۴. بنای پردیس سینمایی ملت
(مأخذ: www.moghanshahr.com)



تصویر ۳. بنای تئاتر شهر تهران.

نحوه پیوند بنا با پیرامون، اتصال به زمین، موقعیت ورودی‌ها و وحدت با زمینه: بنای تئاتر شهر با واقع شدن بر روی سکوی دوارى که با فرم دوار خود سازگار است به زمین پیوند خورده است؛ و با کمک عناصر محوطه‌سازی و مبلمانی (پله‌ها، نیمکت‌ها، حوض و آبنماها و...) که در اطراف این سکو به فرم‌های منحنی و دوار ساخته شده‌اند، به‌خوبی با فضای پارک نیز پیوند خورده است. این بنا یک ورودی اصلی دارد که با واقع شدن در جبهه جلویی ساختمان و برخورداری از طرح و نقش، رنگ و مصالح متمایز، از وضوح و تشخیص کافی برخوردار است. پردیس سینمایی ملت نیز از طریق امتداد مسیرهای اصلی پیاده اصلی درون پارک به صورت رمپ‌هایی در درون بنا، سعی در ادغام شدن با فضای نرم و ارگانیک پیرامون داشته است؛ اما به اعتقاد نگارنده این راهکار در عمل قادر به ترکیب نمودن توده شیشه‌ای صلب و عظیم بنا با زمینه سبز و طبیعی پارک نبوده است. دو ورودی اصلی بنا از چندان وضوح و تشخیصی برخوردار نیستند، به‌طوری که در نبود تابلوهای اعلانات و علائم راهنمای روی زمین، امکان سردرگمی افرادی که برای نخستین بار به این مجموعه مراجعه می‌کنند و از آشنایی قبلی با فضا بی‌بهره‌اند بسیار زیاد است.

غناى بصرى و زیبایى فرم

بنای تئاتر شهر با برخورداری از فرمی شاخص و یادمانی و ترکیب شدن با آرایه‌های معماری سنتی، تزئینات و جزئیات ماهرانه و زیبا در نمای بیرونی، از جذابیت و غنای بصری لازم بهره‌مند شده است. در مقابل، پردیس سینمایی ملت با سادگی بیش از



تصویر ۷. ورودی نامشخص و ناخوانای پردیس سینمایی ملت. (مأخذ: www.Khishkhan.com)

نتیجه توانسته خود را به عنوان عنصری ارزشمند در منظر عینی تقاطع و سیمای ذهنی کاربران پرشمار آن ثبت نماید. نزدیکی به ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی مثل اتوبوس بی‌آرتی و مترو نیز از مزیت‌های موقعیت قرارگیری این بنا هستند هرچند که در سال‌های اخیر، متأسفانه اجرای طرح زیرگذر پیاده چهارراه ولی عصر توسط شهرداری، خیل عظیم عبور و مرور پیاده به زیر زمین رانده و فضایی را که می‌بایست عرصه حضور، مکث، تردد و تماشای شهروندان باشد، تحت سلطه سواره قرار داده است. پردیس سینمایی ملت نیز در ارتباط با فضای سبز و جذاب پارک ملت قرار گرفته، اما مسیر دسترسی به آن از داخل پارک اندکی دور و پرپیچ‌وخم و گمراه‌کننده است. این بنا به‌جای همجواری با خیابان‌های اصلی و پیاده‌روهای پرتردد شهر، در مجاورت یک دسترسی سواره پرسرعت (بزرگراه نیایش) قرار گرفته که حتی از وجود یک پیاده‌روی پیوسته با حداقل امکانات نیز بی‌بهره است؛ اما این همجواری دسترسی سواره سریع و آسان به این بنا را تسهیل می‌کند.



تصویر ۵. موقعیت قرارگیری بنای تئاتر شهر (مأخذ: google earth)



تصویر ۶. موقعیت قرارگیری بنای تئاتر شهر (مأخذ: google earth)



ارکان و تزئینات معماری سنتی ایرانی، به همراه مصالح کهن همچون آجر و کاشی، چهره‌ای با هویت و منحصر به فرد به خود گرفته است.

پردیس سینمایی ملت نیز یک بنای کاملاً مدرن است که با بهره‌گیری از فرم‌ها، مصالح، شیوه‌های ساخت و ایده‌های نو، نمونه‌ای از یک اثر معماری پیش‌تاز به شمار می‌آید؛ اما شماری از منتقدان با اشاره به شباهت‌های فراوان این بنا با برخی نمونه‌های خارجی، آن را خالی از بداعت و نوآوری و تقلیدی صرف از اصول معماری غربی دانسته‌اند (افتخارزاده، ۱۳۸۸: ۱۲۹). در مقابل این اتهام، بسیاری از طرفداران بنا، فرم و حجم نهایی آن پاسخی خلاقانه به شرایط بیرونی، نیاز عملکردی و رفتار درونی بنا می‌دانند که به هیچ‌وجه نمی‌تواند به عنوان تحمیل فرمی از پیش‌اندیشیده و تقلیدی از نمونه‌های مربوط به سایر مکان‌ها قلمداد شود (باور و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۸-۷۹).

برخورداری از مقیاس انسانی

تئاتر شهر تهران یک استوانه بتنی عظیم است که رواق ظریف و زیبای پیرامون آن به عنوان فضایی نیمه‌باز برای استقبال از حضور افراد، در ترکیب با جزئیات و تزئینات جذاب نمای بیرونی و عناصر محوطه‌سازی اطراف همچون پوشش گیاهی و درختان، مبلمان، سکوها، پله‌ها و... آن را از مقیاس انسانی مطلوب بهره‌مند ساخته‌اند.

در مقابل، بنای پردیس سینمایی ملت اگرچه سعی نموده با استفاده از خطوط نرم و منحنی، انتقال بخشی از ارتفاع به زیر زمین و ایجاد یک فضای باز به صورت ایوانی سرپوشیده در زیر بنا، از تحمیل حجمی صلب، ناسازگار و خارج از مقیاس بر محیط بپرهیزد، اما سادگی بیش از حد توده ساختمانی، عظیم، مستحیل نشدن آن در زمینه، عریانی مصالح و نبود هرگونه جزئیات، تزئینات، مبلمان و سایر عناصر طبیعی و مصنوعی خرد مقیاس، عملاً مقیاس ابرانسانی بنا را سبب گشته است.

رؤیت‌پذیری و قرارگیری در دید مطلوب از نواحی پیرامون (عملکرد نشانه‌ای)

بنای تئاتر شهر با بهره‌مندی از فرمی شاخص و یادمانی و واقع شدن در تقاطع دو خیابان اصلی شهر، همواره به عنوان یک نشانه مهم در محدوده مطرح بوده است. متأسفانه این عملکرد ارزشمند در سال‌های اخیر به دلیل اجرای طرح زیرگذر پیاده

حد و فقدان هرگونه نقش و جزئیاتی که چشم و ذهن را درگیر سازد، از فراهم ساختن جاذبه و غنای بصری بی‌نصیب مانده. تا جایی که بسیاری از شهروندان و منتقدان از آن تحت عنوان آمیبی غول‌پیکر (کریبی، ۱۳۸۷: ۲۴)، بنایی زشت و نیمه‌کاره (برآبادی، ۱۳۸۸: ۲۵) یا مکعب سرتاسر شیشه‌ای که بیشتر به یک پارکینگ طبقاتی شبیه است تا بنایی فرهنگی - هنری (افتخارزاده، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۲۹) یاد کرده‌اند. در کنار انتقادات مذکور، بسیاری از طرفداران این بنا را واجد فرمی نرم، آزاد و زیبا توصیف کرده‌اند که از سادگی، کارایی، پاسخگویی به نیاز و سازگاری با طبیعت پیرامون پیروی نموده، از هر چیز اضافی و غیرضروری صرفاً برای تزئین پرهیز کرده، به شکل حداقلی خود را مطرح ساخته و از هرگونه تحمیل به محیط اجتناب کرده است (اسپریدونف و دانشمیر، ۱۳۹۰: ۴۳؛ باور و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۶).

از آنجا که در رابطه با مباحثی چون سنجش زیبایی، بحث سلیقه و ترجیحات عموم جامعه از اهمیت ویژه برخوردار است، در این بخش نگارنده برای ارزیابی زیبایی دو بنای مذکور از پرسش از عموم مردم استفاده کرده است. برای این منظور علاوه بر گفتگو با کاربران حاضر در مکان، از طرح پرسشی در فضای مجازی بهره گرفته است. از شهروندان تهرانی سؤال شده که کدام یک از دو بنای تئاتر شهر و پردیس سینمایی ملت را زیباتر و دلنشین‌تر می‌دانند. از ۸۰ نفر پاسخ‌دهنده به این سؤال، ۵۴ نفر (حدود ۶۸ درصد پاسخ‌دهندگان) بنای تئاتر شهر را زیباتر دانسته و ۲۶ نفر (حدود ۳۲ درصد پاسخ‌دهندگان) بنای پردیس ملت را انتخاب کرده‌اند. نتیجه این نظرسنجی اگرچه نشان از برتری تئاتر شهر دارد، اما حاکی از این واقعیت نیز هست که شمار قابل توجهی از شهروندان به پردیس سینمایی ملت به عنوان نمونه‌ای از معماری پیش‌تاز که نماد ترقی جامعه و خلوص و زیبایی صادقانه و عملکردگرا است، تمایل دارند و آن را مطلوب قلمداد می‌کنند که احترام به سلیقه و نیاز آنان نیز در ارائه طرح‌های شهری و ساماندهی عرصه عمومی از اهمیت ویژه برخوردار است.

بداعت و منحصر به فرد بودن فرم، سازه، مصالح و...
بنای تئاتر شهر یک اثر معماری نوآورانه است که با به‌کارگیری مصالح و شیوه‌های ساخت نوین، بر مبنای یک حجم افلاطونی استوانه‌ای شکل به وجود آمده است؛ و با استفاده به‌جا از اصول،

شفافیت بصری و ارتباط مطلوب درون و بیرون

در بنای تئاتر شهر هیچ تلاشی در جهت پیوند دادن فضای درونی و بیرونی صورت نگرفته، به طوری که حتی ارتباط بصری میان داخل و خارج نیز وجود ندارد. جدارۀ بیرونی بنا هیچ روزنه و گشایشی ندارد و تنها نورگیرها و منفذهایی در آن وجود دارند که در ارتفاعی بالاتر از دید قرار گرفته‌اند و هیچ‌گونه ارتباط بصری بین فضای درون و بیرون فراهم نمی‌کنند.

در مقابل، در پردیس سینمایی ملت برقراری پیوند بین فضای درون و بیرون یکی از ایده‌های اصلی طراحی بناست که به کمک دو راهکار محقق گردیده: اول، امتداد رمپ‌های داخلی به فضای بیرون؛ و دوم، کاربرد شیشه در نماسازی برای برقراری ارتباط بصری مطلوب از درون به بیرون و برعکس. بنابراین هم امکان دیده شدن فعالیت‌های داخلی از فضای بیرون فراهم است، هم در داخل بنا دید مناسبی به مناظر زیبای پارک وجود دارد.

بهره‌گیری از عناصر طبیعی برای ایجاد منظر دلنشین و جذاب

هر دو بنا در پارک‌های شهری قرار گرفته‌اند و از این حیث از مزایای قرارگیری در بستر سبز و ارگانیک فضای طبیعی و بهره‌مندی از سیمای بصری زیبا و هوای لطیف آن برخوردارند. در فضا سازی پیرامون تئاتر شهر، استفاده از عناصر طبیعی همچون پوشش گیاهی و درخت، گلدان، حوض و آبنما نقش مؤثری در برقراری پیوند میان توده ساخته شده بنا با فضای

چهارراه ولی عصر و تبعید شدن کاربران و مخاطبین اصلی فضا به زیر زمین تا حد زیادی خدشه‌دار شده است. ضمن اینکه سردرهای متعدد ورودی مترو و زیرگذر موجود در تقاطع، موانع بسیاری برای دید به این بنا در خیابان‌های اطراف پدید آورده‌اند. بنای پردیس سینمایی ملت با واقع شدن در مجاورت بزرگراه نیایش، بیشتر به عنوان یک نشانه در مقیاس سواره مطرح است که با فرم نرم و منحنی، ارتفاع معقول و نمای سراسر شیشه‌ای که تصویر آسمان را در خود منعکس می‌کند سعی در محترم شمردن فضای سبز و طبیعت پس‌زمینه خود دارد؛ اما چنانچه پیش‌تر نیز اشاره شد، به دلیل سادگی افراطی و یکنواختی فرم، این نشانه بصری هیچ پیامی از محتوای فرهنگی - هنری خود به ناظران منتقل نمی‌کند.



تصویر ۸. ورودی‌های پرشمار مترو و زیرگذر، موانع دید مطلوب به بنای تئاتر شهر در خیابان‌های اطراف.



تصویر ۱۰. جدارۀ شیشه‌ای پردیس ملت و تلفیق فضای درون با مناظر سبز بیرون.



تصویر ۹. دید از مسیر سواره پرسرعت به بنای پردیس سینمایی ملت. (مأخذ: www.cinemapress.ir)



امکانات و محدودیت‌های موجود، قابل استفاده نیستند و تقریباً همیشه خالی از آب هستند.

وجود مبلمان و تجهیزات مناسب برای حضور، مکث و تعاملات اجتماعی شهروندان

همان‌طور که اشاره شد، در محوطه‌سازی پیرامون تئاتر شهر از تمامی عناصر طبیعی و مصنوع تزئینی و کاربردی به گونه‌ای مطلوب جهت تقویت آسایش اقلیمی و غنای حسی فضا بهره گرفته شده. انواع مبلمان و جزء فضاها با فرم‌های منحنی که اشکال مختلف تجمع و تعاملات اجتماعی را تشویق می‌کنند، در محدوده وجود دارند و تقریباً در تمام ساعات شبانه‌روز شاهد حضور پرشمار اقشار و گروه‌های مختلف شهروندان می‌باشند.

در اطراف بنای پردیس سینمایی ملت هیچ‌گونه فضا سازی و تأمین تجهیزات برای جذب حضور و توقف شهروندان وجود ندارد. تنها اقدام صورت گرفته، به‌جز حوض و آبنماهای همیشه خالی، امتداد رمپ‌های درون بنا به فضای بیرونی است که هدف حفظ حرکت سیال و بدون وقفه میان درون و بیرون را دنبال می‌کند. چنانچه از همین ایده به‌خوبی پیداست، در طراحی این بنا اصل بر تسهیل حرکت و عبور بوده، نه توقف و مکث!

حمایت از تجمع و حضور، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی خودجوش و رویدادهای جمعی رسمی و غیررسمی جذاب

ساختمان تئاتر شهر با قرارگیری در مجاورت یکی از تقاطع‌های

سبز و طبیعی پارک ایفا نموده‌اند. ضمن اینکه جذابیت بصری و آسایش اقلیمی لازم برای حضور شهروندان را فراهم ساخته‌اند. برعکس، در طراحی پردیس سینمایی ملت، توده صلب عظیم با برش‌های قاطع در دو طرف و نمای شیشه‌ای سرتاسری، در ادغام شدن با فضای سبز نرم و ارگانیک پارک چندان موفق نبوده. ضمن اینکه هیچ تلاشی نیز در جهت بهره‌مندی از عناصر طبیعی در فضا سازی خرد مقیاس در اطراف بنا و ترکیب آن با زمینه به چشم نمی‌خورد. از سوی دیگر، همین جداره شیشه‌ای سرتاسری را شاید بتوان بهترین وجه بنا در بهره‌مندی و سازگاری با طبیعت پیرامون دانست؛ چراکه سهم بسزایی در انتقال مناظر زیبای آن به فضای درونی داشته است.

بهره‌گیری از عناصر مصنوع، مبلمان و تزئینات مناسب، با طرح و مصالح سازگار با حال و هوای بنای اصلی

در اطراف بنای تئاتر شهر انواع عناصر مصنوع تزئینی و کاربردی مثل مجسمه‌ها، گلدان‌ها، مبلمان، پله‌ها، پرچم و... دیده می‌شوند که در کنار تزئینات و اجزاء ارزشمند خود بنا، مثل فضای نیمه‌باز رواق با ستون‌های ظریف و زیبا و کاشی‌کاری‌های خوش‌نقش‌ونگار، به بهترین نحو جهت افزودن به غنای بصری و مطلوبیت فضایی محیط به کار گرفته شده‌اند.

در اطراف بنای پردیس سینمایی ملت هیچ‌گونه مبلمان و عناصر محوطه‌سازی به چشم نمی‌خورد. تنها اقدام صورت گرفته در این زمینه احداث مجموعه‌ای از حوض‌ها و آبنماها در پشت بنا بوده که ظاهراً به دلیل عدم پیش‌بینی صحیح طرح از



تصویر ۱۲. فضای خالی و فاقد هر نوع فضا سازی در پای بنای پردیس سینمایی ملت.



تصویر ۱۱. کاربرد انواع عناصر طبیعی و مصنوع در فضا سازی محوطه پیرامون بنای تئاتر شهر.

ایجاد گستره‌ای متنوع از کاربری‌ها و فعالیت‌های خدماتی جاذب، و فراهم ساختن امکان بهره‌مندی از فرصت‌های بیشتر برای شهروندان

تأثیر شهر به عنوان یکی از نخستین و اصلی‌ترین مراکز تخصصی هنرهای نمایشی، فرصت‌های فرهنگی-هنری ارزشمند و ویژه‌ای را در اختیار شهروندان علاقه‌مند قرار می‌دهد. پردیس سینمایی ملت اما با دارا بودن چندین سالن سینما، گالری، کتاب و سی دی فروشی، کافه و رستوران، خدمات تفریحی و فرهنگی-هنری عام‌تر و متنوع‌تری را ارائه می‌دهد.

امکان استفاده از فضا برای برپایی مراسم ویژه، رویدادهای فرهنگی و فعالیت‌های موقت و فصلی در مناسبت‌های خاص

در فضای باز مقابل تئاتر شهر امکان برپایی مراسم و رویدادهای گوناگون و تجهیز فضا برای فعالیت‌های فصلی متنوع وجود دارد. ایوان سرپوشیده پردیس سینمایی ملت نیز برای همین منظور طراحی شده است و در صورت فراهم ساختن تجهیزات لازم، می‌تواند برای برگزاری مراسم و رویدادهای ویژه، مثل گردهمایی‌های فرهنگی-هنری، نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های سینمایی و... مورد استفاده قرار گیرد.

امکان تغییرپذیری برای سازگاری با نیازهای آینده

فضای باز پیرامون هر دو بنا فرصت ایجاد خدمات، تجهیزات و تغییرات فضایی-کالبدی لازم متناسب با نیازهای آینده را به خوبی فراهم می‌سازد.

ایجاد کاربری‌های خدماتی متنوع و جاذب، برای حمایت از حضور و فعالیت اقشار، گروه‌ها، جنسیت‌ها و سنین متفاوت در مکان

بنای تئاتر شهر با دارا بودن سالن‌های نمایش و فضاهای پشتیبانی و خدماتی مربوط به آن، قشر خاصی از شهروندان، هنر دوستان و هنرمندان را مخاطب قرار می‌دهد؛ اما بنای پردیس ملت با داشتن چندین سالن سینما، گالری، کتاب‌فروشی و فضاهای خدماتی مثل کافه و رستوران‌ها، گستره‌ای عام‌تر و متنوع‌تر از خدمات عمومی را در بر گرفته و به طیف وسیع‌تری از اقشار جامعه خدمات‌رسانی می‌کند.

اصلی شهر و با دارا بودن فرمی شاخص و به‌یادماندنی توجه عابران بسیاری را به خود جلب می‌نماید. وجود یک صحن وسیع در مقابل بنا و قرار دادن پرده‌های اعلان نمایش و گاه برگزاری مراسم و نمایش‌های خیابانی در آن جلب توجه عابران و تشویق آنان به توقف و حضور در فضا را دوچندان می‌کند. به این ترتیب فضای تئاتر با خیابان اطراف پیوند می‌خورد (مهندسیین مشاور نقش، ۱۳۸۷: ۳۷۳). علاوه بر این در فضای اطراف ساختمان تئاتر در داخل پارک، انواع سکوها و محل‌های نشستن به فرم‌های مختلف ایجاد شده که امکان استراحت، دور هم جمع شدن، برقراری تعاملات اجتماعی و گفتگو و تبادل نظر را در این فضا به خوبی فراهم می‌سازند.

در رابطه با پردیس سینمایی ملت، بسیاری از طرفداران، ایوان سرپوشیده این بنا را خلاقیتی بزرگ و یک دستاورد مهم برای طرح معرفی می‌کنند که محل مناسبی برای مکث و حضور شهروندان، گفتگو و تبادل نظر، و اجرای مراسم و رویدادهای فرهنگی و اجتماعی گوناگون پدید می‌آورد؛ اما آنچه در عمل به وجود آمده هیچ نشانی از تفکر طراحی و تجهیز فضا برای جلب شهروندان ندارد. هیچ‌گونه امکاناتی برای تشویق مردم به توقف و حضور اختیاری در این فضا وجود ندارد. حتی فضا و تجهیزات مشخصی برای اعلانات و تبلیغات فیلم‌ها و برنامه‌ها نیز در آن در نظر گرفته نشده است.

تأمین خدمات و تجهیزات لازم برای رفع نیازهای ضروری کاربران در مکان

هر دو بنا واجد تجهیزات و خدمات رفاهی متنوع برای رفع نیازهای کاربران خود هستند.



تصویر ۱۳. شکل‌گیری رویدادهای فرهنگی-هنری خودجوش در فضای باز مقابل تئاتر شهر (مأخذ: www.isna.ir)



عناصر و جزئیات معماری سنتی ایرانی را به نمایش می‌گذارد. تصویری شاخص، منحصر به فرد، زیبا و نقش‌انگیز را در عینیت محیط شهری و ذهنیت شهروندان از خود به جای می‌گذارد. علاوه بر آن، محوطه‌سازی فضای عمومی پیرامون، چنانچه پیش‌تر نیز ذکر شد، از سازگاری مطلوبی با فرم، الگوها، مصالح و حال و هوای بنای شاخص برخوردار بوده و تجربه‌ای دلچسب از حضور، مکث و تعامل با مکان برای شهروندان پدید می‌آورد. به گونه‌ای که اغلب شاهد حضور پرشمار و طولانی مدت افرادی که به تعاملات فردی و جمعی اختیاری با محیط و با یکدیگر مشغولند، است؛ اما همان‌طور که اشاره شد، فضای داخلی بنا به روی حضور و گشت‌وگذار آزادانه شهروندان بسته است.

در مقابل، پردیس سینمایی ملت بنایی است که با ایده اصلی تأمین حرکت سیال شکل گرفته است. برای این منظور، از تحمیل فرم به صورت یک مانع خودداری کرده و با ایجاد رمپ‌هایی در ادامه توپوگرافی طبیعی پارک و مسیرهای حرکت پیاده موجود، افراد را به پا گذاشتن به درون بنا دعوت می‌کند. در واقع فرد قادر است آزادانه در فضای بیرونی پارک قدم بزند، بی‌هیچ وقفه‌ای به فضای درونی بنا وارد شود، در آن گشت‌وگذار کند، به گوشه‌ها سرک بکشد و کشفش کند و از این گشتن و یافتن لذت ببرد (باور و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۵؛ اسپریدونوف و دانشمیر، ۱۳۹۰: ۴۳).

برخورداری از تداوم زمانی، به معنای دارا بودن اشارات تاریخی و پیوند با گذشته

بنای تئاتر شهر با کاربرد هنرمندانه عناصر و جزئیات معماری سنتی ایران چون ایوان اصلی، رواق ستون‌دار، قوس‌ها، نقش و نگارها، تزئینات غنی و... در تلفیق با یک حجم نوآورانه با عملکردی کاملاً مدرن، موفق به برقراری پیوند مطلوبی با زمینه‌های تاریخی و فرهنگی جامعه بوده است.

در مقابل، پردیس سینمایی ملت بیشتر به بیان مفاهیم جدید با کاربرد تکنولوژی روز تأکید دارد و هیچ اصراری بر استفاده از اصول معماری گذشته و عناصر و اشارات تاریخی ندارد. تا جایی که دانشمیر، طراح اثر، در جایی اشاره می‌کند که: «ما نمی‌توانیم با تکرار موتیف‌هایی که مربوط به فرهنگ گذشته است به دستاورد خاصی نائل شویم. مسئله معماری امروز استفاده از عناصر معماری گذشته نیست، بلکه افزودن چیزی به آن است...» (دانشمیر، ۱۳۸۳: ۵۷). بسیاری از

امکان برگزاری مراسم آیینی، مذهبی و سنتی ویژه، رویدادهای فرهنگی خاص و تعاملات اجتماعی رسمی و غیررسمی

چنانچه پیش‌تر نیز اشاره شد، فضای باز پیرامون تئاتر شهر، به دلیل تأمین درخور انواع تجهیزات، فضاها و خدمات، از حضور دائمی و پرشمار افشار و گروه‌های مختلف شهروندان بهره‌مند است. از این‌رو از امکان شکل‌گیری انواع فعالیت‌های انتخابی، رویدادهای غیررسمی و تعاملات جمعی خودجوش به خوبی حمایت می‌کند. در مقابل، فضای باز پردیس سینمایی ملت، به دلیل فقدان هرگونه امکانات و تجهیزات لازم، به‌طور معمول خالی از حضور کاربران بوده و در نتیجه امکان بروز رویدادهای غیررسمی و فعالیت‌ها و تعاملات خودجوش در آن وجود ندارد.

ایجاد کاربری‌های فرهنگی - تفریحی فعال در شب، برای حفظ سرزندگی و حیات شبانه مکان

کاربری‌های فرهنگی - تفریحی ویژه و شبانه‌روزی هر دو بنا، به انضمام فعالیت‌های خدماتی وابسته‌شان، تضمین‌کننده حضور کاربران و در نتیجه، سرزندگی، نشاط و امنیت فضای پیرامون در ساعات مختلف شبانه‌روز می‌باشند.

باز بودن به روی همه و تأمین دسترسی آزادانه و رایگان برای تمامی شهروندان

بنای تئاتر تنها به روی کاربران ویژه باز است و امکان ورود و تردد آزادانه به داخل بنا برای همه شهروندان فراهم نیست؛ اما پردیس سینمایی ملت با ارائه خدمات فرهنگی - تفریحی متنوع برای افشار و سنین مختلف، به روی تمامی شهروندان باز است و حتی مشوق ورود و تردد آزادانه به داخل بنا است.

کانون حضور، تجمع، قرار ملاقات و تعاملات شهروندان

هر دو بنا با برخورداری از هویت عینی و ذهنی نیرومند از لحاظ کالبدی و عملکردی و با نقش بستن در ساختار ذهنی شهروندان، به کانون‌هایی برای حضور، تجمع، ملاقات‌های دوستانه و تعاملات اختیاری شهروندان بدل شده‌اند.

تعامل با مکان، لذت بردن از حضور، تجربه و اکتشاف فضا

بنای تئاتر شهر با ارائه فرمی شاخص و یادمانی، و با برخورداری از معماری ارزشمند که تلفیقی هنرمندانه از ایده‌های مدرن و

بومی و اقلیمی کشورمان برقرار نمی‌سازد. اگرچه ممکن است مطالعه توضیحات طراحان در مورد فرآیند و ایده‌های طراحی و پاسخ به نقدهای موجود، بسیاری از ابعاد ارزشمند طرح را روشن سازد، اما همین عدم وضوح، خوانایی و ارتباط گویا با عموم مردم را می‌توان از ضعف‌های آشکار پروژه دانست که بیش از هر چیز ناشی از فقدان نشانه‌های آشنا و زبان مشترک میان طراحان و کاربران است.

دوری از انواع آلودگی‌ها، اعم از آلودگی‌های صوتی، بصری، هوا، بهداشتی و...

هر دو بنا در فضای سبز پارک واقع شده‌اند و از هوای پاک و لطیف و مناظر بصری زیبایی آن بهره‌مند می‌باشند. هر دو بنا از توجه و رسیدگی لازم برای حفظ نظافت و پاکیزگی لازم نیز برخوردارند. بنای تئاتر شهر با اینکه در مجاورت تقاطع شلوغ و پر سروصدای شهر واقع شده، با لبه‌ای از فضای سبز و درخت از عرصه عبور و مرور سواره جدا شده و با عرصه پیاده و فضای سبز پارک ممزوج گشته. فضاهای مکث و میلمان‌های پارک نیز همگی رو به سوی چشم‌انداز سبز پارک و نمای زیبایی بنا دارند. پردیس سینمایی ملت نیز در گوشه‌ای جدا افتاده از پارک، در فضایی دنج و به دور از آلودگی، سروصدا و ازدحام سواره و پیاده واقع شده و با برخورداری از جداره‌های شیشه‌ای شفاف، از دید مطلوب به چشم‌انداز زیبایی پارک و مناظر شهری اطراف بهره‌مند است.



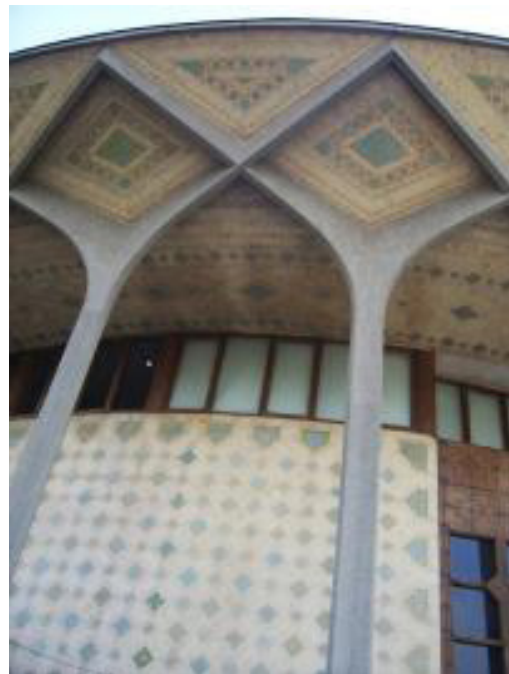
تصویر ۱۵. فضای سبز حائل میان فضاهای مکث پیاده اطراف تئاتر شهر و سواره‌روی پرتردد مجاور.

منتقدان همین بی‌اعتنایی به گذشته و میراث غنی معماری سنتی را عامل اصلی بی‌هویتی این بنا می‌دانند.

در بر گرفتن معانی و مفاهیم گویا، قابل درک و آشنا برای عموم مردم

بنای تئاتر شهر با درآمیختن ایده‌های نو با مفاهیم و عناصر آشنا و با هویت همچون آرایه‌های ایرانی، عناصر سنتی، ملاحظات اقلیمی، اشارات تاریخی و ویژگی‌های زمینه، اثری ارزشمند خلق نموده که به‌خوبی قادر به برقراری ارتباط با روان و فرهنگ جمعی شهروندان بوده و پاسخگوی نیازها و ترجیحات عمومی آنان است.

اما اصول، مفاهیم و ایده‌های اصلی طراحی پردیس سینمایی ملت برای عموم شهروندان و حتی بسیاری از متخصصین ناآشنا و نامفهوم است. چنانچه پیش‌تر نیز اشاره شد، بسیاری آن را بنایی زشت و نیمه‌کاره، شبیه به یک پارکینگ طبقاتی یا بنایی اداری یا صنعتی می‌دانند که تقلیدی صرف از اصول معماری غربی بوده (افتخار زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۹؛ برآبادی، ۱۳۸۸: ۲۵) و هیچ ارتباطی با زمینه‌های تاریخی، فرهنگی،



تصویر ۱۴. عناصر، تزئینات و مصالح سنتی به‌کاررفته در طرح تئاتر شهر.



بنا محقق گشته است که ارتباط پیوسته میان درون و بیرون و میان طبقات مختلف بنا را تأمین می‌کنند. این ایده ورود به بنا و گشت‌وگذار در آن را برای تمامی کاربران، به‌ویژه سالمندان و معلولین جسمی - حرکتی تا حد زیادی تسهیل می‌نماید و از این جهت بسیار ارزشمند و قابل تحسین است.

تأمین امنیت اجتماعی از طریق حمایت از حضور و نظارت اجتماعی گروه‌های مختلف شهروندان در ساعات مختلف شبانه‌روز

هر دو بنا واجد کاربری‌های فرهنگی - هنری ویژه و فعال در شب هستند که به انضمام خدمات عمومی متنوع و فعال، موجبات حضور و نظارت اجتماعی گروه‌های مختلف شهروندان را در ساعات مختلف شبانه‌روز فراهم می‌کنند، ضمن اینکه با بهره‌مندی از نورپردازی مناسب، امنیت شبانه‌فضا را نیز تضمین می‌نمایند.

ارزیابی و نتیجه‌گیری

در این بخش ابتدا بر اساس شناخت و تحلیل نگارنده که حاصل مطالعات میدانی و مصاحبه‌های عمومی و گفتگو در محل بود، به هر یک از دو بنا بر مبنای سازگاری با شاخص‌های یادشده امتیازی از ۲- تا ۲+ داده می‌شود. امتیاز ۲- به معنای ناسازگاری کامل، ۱- به معنای ناسازگاری نسبی، ۰ به معنای سازگاری و ناسازگاری برابر، ۱+ به معنای سازگاری نسبی و ۲+ به معنای سازگاری کامل با معیار مورد نظر است.



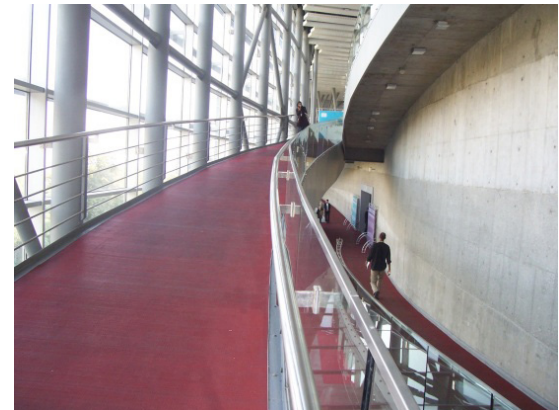
تصویر ۱۷. امتداد رمپ‌های داخلی بنا به فضای بیرونی و حفظ حرکت پیوسته میان درون و بیرون.

حفظ اولویت تردد پیاده و در امان بودن از مزاحمت‌ها و خطرات تردد سواره

هر دو بنا در فضای مختص پیاده‌دو پارک شهری واقع شده‌اند و از خطرات و مزاحمت‌های تردد سواره در امان هستند؛ اما در یک دید کلان‌تر، با بررسی موقعیت آن‌ها در ارتباط با شهر و مسیرهای دسترسی اصلی، باید گفت که بنای تئاتر شهر با قرارگیری در تقاطع دو خیابان اصلی شهر تهران، یعنی انقلاب و ولی عصر، با فضای پیاده‌ان‌ها به‌خوبی ترکیب شده و نقش و جایگاه ویژه و ارزشمندی در عینیت کالبدی بصری عرصه عمومی و حیات جمعی آن یافته است؛ اما متأسفانه در سال‌های اخیر، اجرای طرح زیرگذر پیاده در محدوده با به زیر زمین بردن عابران پیاده تا حد زیادی سلطه سواره بر فضا را افزایش داده است. در پردیس سینمایی ملت چنانچه پیش‌تر نیز گفته شد، حفظ حرکت سیال و پیوسته پیاده از اهداف اصلی طراحی بنا است.

سازگاری با نیازهای جسمی و حرکتی اقشار مختلف جامعه از جمله کودکان، سالمندان، و به‌ویژه معلولین

تئاتر شهر و محوطه‌سازی اطرافش با دارا بودن فضاها و امکانات جذاب، شرایط مساعدی برای جذب حضور گروه‌های مختلف شهروندان مهیا می‌سازد، اما تجهیزات و خدمات ویژه‌ای برای حمایت از حضور معلولین جسمی - حرکتی در آن به چشم نمی‌خورد. در مقابل در پردیس سینمایی ملت، ایده اصلی حفظ حرکت سیال که از طریق امتداد مسیرهای پیاده موجود در فضای بیرونی پارک به صورت رمپ‌هایی به درون



تصویر ۱۶. رمپ‌های داخلی بنای پردیس ملت و فراهم ساختن امکان حرکت پیوسته و آسان برای همه.



و پس از آن عرصه زندگی جمعی و حیات مدنی عمومی شهروندان بیشترین اهمیت و ضریب تأثیر را دارا هستند و در میان تمامی این معیارها، معیار تنوع، اختلاط و سرزندگی شبانه‌روزی بیشترین اهمیت و ضریب را دارد.

مهم‌ترین نقطه قوت بنای تئاتر شهر را می‌توان مطلوبیت فرم کالبدی و جذابیت و معناداری برای کاربران و نیز موفقیت در ایجاد عرصه‌ایی برای حضور، مکث و تعاملات جمعی و فعالیت‌های دلخواه شهروندان در پیرامون خود دانست. مهم‌ترین نقطه ضعف آن نیز عدم نفوذپذیری کالبدی و بصری و محدودیت ورود آزادانه به داخل بنا برای تمامی افراد است. در مقابل، مهم‌ترین نقطه قوت بنای پردیس سینمایی ملت همین آزادی دسترسی و ورود و خروج به بنا، سهولت رفت‌وآمد به تمامی قسمت‌ها توسط تمامی افراد حتی افراد دچار محدودیت حرکتی و نفوذپذیری کالبدی و بصری بالای بنا دانست. مهم‌ترین نقطه ضعف اصلی آن نیز ناکارآمدی در ایجاد عرصه‌ایی برای حضور، مکث و تعاملات شهروندان و فقدان مقیاس انسانی و جذابیت فضایی برای کاربران در فضای پیرامون خود است.

حال با ضرب این امتیازات در ضرایب مؤثر معیارها و شاخص‌های مکان مطلوب که از بخش پرسش از نخبگان به دست آمد، امتیاز واقعی هر معیار و مؤلفه به دست آمده و مجموع امتیازات هر سه مؤلفه امتیاز هر نمونه را مشخص می‌کند.

چنانچه نتایج ارزیابی فوق نشان می‌دهد، بنای تئاتر شهر از هر سه جنبه کالبدی، عملکردی و حسی - معنایی سازگاری بیشتری با معیارهای مورد نظر دارد. بنابراین می‌توان آن را به عنوان بنای عمومی مطلوب‌تر و سازگارتر با نیازهای شهر و حیات جمعی شهروندی معرفی نمود؛ اما بنای پردیس سینمایی ملت نیز از بسیاری جنبه‌ها، به‌ویژه معیارها و شاخص‌های مؤلفه ادراکی - اجتماعی موفق عمل کرده و امتیاز بالایی هم‌تراز با بنای تئاتر شهر دریافت کرده است.

بر اساس ارزیابی معیارها از دید نخبگان، در میان معیارهای مؤلفه کالبدی نفوذپذیری کالبدی و بصری و پس از آن منظر طبیعی و مصنوع، در میان معیارهای مؤلفه عملکردی تنوع، اختلاط و سرزندگی شبانه‌روزی، و پس از آن عرصه حضور و فعالیت جمعی و فردی دلخواه شهروندان، و در میان معیارهای مؤلفه ادراکی - اجتماعی تأمین آسایش جسم و روان شهروندان

پی‌نوشت‌ها

- | | | |
|----------------|---|-------------|
| 1. Urban place | 7. CABE: Commission of Architecture and Built Environment | 12. Lynch |
| 2. Urban place | 8. Building in context | 13. Jacobs |
| 3. Bacon | 9. Alexander | 14. Bentley |
| 4. Involvement | 10. Carmona | |
| 5. Tibbalds | 11. Tiesdell | |
| 6. Lang | | |

فهرست منابع

- اسپریدونف، کاترین و دانشمیر، رضا (۱۳۹۰)، سازه پایبونی بی‌ستون، روایت دانشمیر و اسپریدونف از طراحی و ساخت پردیس سینمایی پارک ملت، جنگ تجربه، شماره ۸، صفحات ۴۲-۴۳.
- افتخارزاده، ساناز (۱۳۸۸)، ساختمان جدید پردیس سینمایی پارک ملت، نهانه‌ای برای نقد جریان معماری امروز ایران، معماری و ساختمان، شماره ۱۸، صفحات ۱۲۸-۱۳۱.
- الکساندر، کرسٹوفر، جونیس، ها، آنیو، آرتمیس و کینگ، اینگرید (۱۳۷۳)، *تئوری جدید طراحی شهری*، واحد تحقیق و ترجمه شرکت مهندسی مشاور طاش، تهران: نشر توسعه.
- اھری، زھرا (۱۳۹۶)، شهر، جشن، خاطره، تأملی در نسبت فضاها و جشن‌های شهری در دوران صفویان و قاجاریان، *هنرهای زیبا*، شماره ۴۷، صفحات ۵-۱۶.
- باور، فرخ، جوزانی، مجید، دانشمیر، رضا و کرمانیان، علی (۱۳۸۹)، نقد پردیس سینمایی ملت، *جستارهای شهرسازی*، شماره، صفحات ۷۰-۸۱.
- برآبادی، سعید (۱۳۸۸)، تلاش برای ایجاد یک زبان واحد، *دکومان*، شماره، صفحات ۲۴-۲۵.
- بنتلی، ای‌ین، ال‌کک، آلن، مک‌گلین، سو و اسمیت، گراهام (۱۳۸۶)، *محیط‌های پاسخده*، مصطفی بهزادفر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- بیکن، ادموند (۱۳۸۶)، *طراحی شهرها*، فرزانه طاهری، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۲)، پدیدارشناسی نمای ساختمان‌های مسکونی و سیر تکوینی توقع از آن، *هنرهای زیبا*، شماره ۱۴، صفحات ۵۱-۶۲.

مختلف آن. هنرهای زیبا، شماره ۲۸، صفحات ۳۷-۴۸. دانشمیر، رضا (۱۳۸۳)، فضاهای تهی در معماری ایران، معماری و ساختمان، شماره ۴، صفحات ۵۴-۵۹. صدوقی، آرزو و معماریان، غلامحسین (۱۳۸۹)، کاربرد روش تحقیق کیفی برای فهم ابعاد عاطفی مکان، نمونه موردی: فضای زیرزمینی شوادان، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۵، صفحات ۱۱۹-۱۳۳. کرمونا، متیو و تیزدل، استیو (۱۳۹۰)، خوانش مفاهیم طراحی شهری، ترجمه کامران ذکات و فرناز فرشاد، تهران: آذرخش. کریمی، امید (۱۳۸۷)، پایبونی از سیمان و آهن و چوب و شیشه، فیلم، شماره ۳۷۹، صفحات ۲۴-۲۵. قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۸۳)، اهل مجا هستیم؟ هویت بخشی به بافت های مسکونی، تهران: روزنه. لنگ، جان (۱۳۸۶)، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، علی رضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. لینیچ، کوین (۱۳۷۴)، سیماي شهر، منوچهر مزیني، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. لینیچ، کوین (۱۳۸۱)، تئوری شکل شهر، سید حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. مهندسین مشاور نقش (۱۳۸۷)، نقد آثاری از معماری معاصر ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری. میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۳)، معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها، هنرهای زیبا، شماره ۱۹، صفحات ۲۹-۳۸. میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۸)، معیارهای سنجش امکان شکل گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر- مطالعه موردی: تهران، هنرهای زیبا، شماره ۳۷، صفحات ۵-۱۶. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۶)، معنا در معماری غرب، مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: فرهنگستان هنر.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، تهران: انتشارات شهیدی. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۹۰)، سیر اندیشه ها در شهرسازی، جلد دوم: از کیفیت تا کیفیت، تهران: شرکت عمران شهرهای جدید. پرتویی، پروین (۱۳۸۲)، مکان و بی مکانی: رویکردی پدیدارشناسانه، هنرهای زیبا، شماره، صفحات ۴۰-۵۰. پرتویی، پروین (۱۳۸۸)، اصول و مفاهیم توسعه پایدار از دیدگاه پدیدارشناختی، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۲، صفحات ۱۹-۳۳. توسلی، محمود (۱۳۵۴)، مسائل ساخت محیطی در مناطق گرم و خشک، محیط شناسی، شماره ۱، صفحات ۱۰۳-۱۰۹. توسلی، محمود (۱۳۸۸)، طراحی شهری: هنر نو کردن ساختار شهر همراه با چهار نمونه موردی، تهران: محمود توسلی. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۵)، شهرهای انسان محور: بهبود محیط عمومی در شهرهای بزرگ و کوچک، حسنعلی لقایی و فیروزه جدلی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. جیکوبز، جین (۱۳۸۶)، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، حمیدرضا پارسى و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. حبیب، فرح، کریمی، نوشین و کریمی (۱۳۸۸)، رویکردی تحلیلی به تعامل بین آیین های جمعی و ساختار کالبدی شهرهای سنتی ایرانی، نمونه موردی: شهر زنجان، هنرهای زیبا، شماره ۳۹، صفحات ۱۱۷-۱۲۳. حبیبی، سید محسن و اهري، زهرا (۱۳۸۷)، لاله زار- عرصه تفرج، از باغ تا خیابان، شکل گیری خیابان به سبک اروپایی در دوره ناصرالدین شاه، هنرهای زیبا، شماره ۳۴، صفحات ۵-۱۵. حبیبی، سید محسن (۱۳۷۸)، فضای شهری، حیات واقعه ای و خاطره های جمعی، صقه، شماره ۲۸، صفحات ۱۶-۲۱. دانشپور، سید عبدالهادی، سپهری مقدم، منصور و چرخچیان، مریم (۱۳۸۸)، تبیین مدل (دل بستگی به مکان) و بررسی عناصر و ابعاد

Appleyard, D. (1976). Planning a Pluralist City, Massachusetts, MIT press.
INFRA, 2011, Creating Places for People, Australia;
Kelly, A. and Kelly, M. (2003). Building legible cities 2, Bristol, Bristol cultural development partnership;
Korpela, K. and Hartig, T. (1996). Restorative Qualities of

Favorite Places, Environmental Psychology, No.16, pp. 221- 233.
Llewellyn Davies, Y. (2007). Urban Design Compendium, third edition, REAL.
Nasar, J.L. and Sancar, F. (2006). Still Walkable, Still Sit able: A Pedestrian Mall in Denver is a Successful Civic Space, Landscape Architecture, No. 96, pp. 56- 61.

آرونا (1390), www.moghanshahr.com
Archdaily (2013), www.archdaily.com
www.archinet.com
www.architectual.com
Steven, Philip (2018), design boom, www.designboom.com